

الدرس السادس: تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢) (حروف جازمه)

حروفی داریم به نام حروف جازمه که قبل از فعل مضارع آمده و تغییراتی در فعل مضارع ایجاد می کنند.

این حروف عبارتند از «.....» **" لا ، لم ، ل "**

تغییراتی که این حروف در فعل مضارع ایجاد می کنند عبارتند از:

الف) تغییر در ظاهر فعل مضارع بدین صورت که:

ضمه را در آخر فعل در صیغه های مفرد و دارای ضمه را به ساکن تبدیل می کنند. و در صیغه هایی که فعل دارای **"نون"** می باشد **"نون"** را از آخر فعل حذف می کنند. به جز دو صیغه ی جمع مونث غایب **"هن"** و جمع مونث مخاطب **"انتن"**.

مثال:

| | |
|--------------------------------------|--|
| يَذْهَبُ لا يَذْهَبُ | أَجْلِسُ لا أَجْلِسُ |
| يَذْهَبَانِ لا يَذْهَبَانِ | يَذْهَبُونَ لا يَذْهَبُونَ |
| هِنَّ يَذْهَبْنَ لا يَذْهَبْنَ | أَنْتَنَّ تَذْهَبْنَ لا تَذْهَبْنَ |

نتیجه: همانطور که در مثال های فوق ملاحظه می کنید **"لا"** ضمه را در آخر و نون را در صیغه ها حذف و آن ها را مجزوم (جزم داده شده = ساکن شده) کرد. پس حروف جازمه یعنی حروفی که جزم دهنده (ساکن) هستند.

ب) تغییر دیگری که این حروف در فعل مضارع دارند تغییر معنایی است. یعنی معنای فعل مضارع را تغییر می دهند.

اما به ترتیب به هر یک از این حروف می پردازیم تا ببینیم چه تغییری در معنی فعل ایجاد می کنند:

١) حرف "لا": این **"لا"** همان لای نهی است که قبلا با آن آشنا بوده ایم و در واقع وقتی که قبل از فعل مضارع می آید فعل را به نهی تبدیل می کند.

یعنی در معنا می خواهیم که شخصی کاری را انجام ندهد و او را از کاری باز می داریم.

نکته ۱: تا کنون آموختیم که فعل نهی دارای ۶ صیغه است. و فعل نهی را از صیغه های مخاطب مضارع می ساختیم.

اما باید دقت داشته باشیم که "لا" نهی می تواند بر تمامی صیغه های مضارع داخل شود. بنابراین می توانیم فعل های مضارع غایب و متکلم را هم نهی کنیم.

دقت کنیم در ترجمه فعل های نهی غایب و متکلم از کلمه ی "نباید" استفاده می کنیم. **مثال:**

| | | | | | | |
|----------|-------|-------------|----------|-------|-------------|----------|
| أَذْهَبُ | | لا أَذْهَبُ | أَذْهَبُ | | لا يَذْهَبُ | يَذْهَبُ |
| ↓ | | ↓ | ↓ | | ↓ | ↓ |
| می روم | | نباید بروم | می روم | | نباید برود | می رود |

۲) حرف لم: هرگاه حرف لم قبل از فعل مضارع بیاید معنای مضارع را به ماضی منفی ساده یا ماضی نقلی منفی تبدیل می کند. پس:

| | | | | |
|----------------|-------|-------------|-----------|-------------------|
| ماضی منفی ساده | | لم يَذْهَبُ | نرفت | } لم+مضارع |
| ماضی نقلی منفی | | لم يَذْهَبُ | نرفته است | |

نکته ۲: در واقع **لم+مضارع**، منفی ماضی نقلی **قد+ماضی** است.
 ↓
 ماضی نقلی منفی ماضی نقلی مثبت

مثال: **قَدْ ذَهَبَ** : رفته است ← **منفی لم يَذْهَبُ** : نرفته است

۳) حرف ل: این "لام" قبل از فعل مضارع می آید و فعل مضارع را به فعل امر تبدیل می کند.

دقت کنیم که قبلاً فعل امر را از مضارع مخاطب می ساختیم. **مثال:**

تَذْهَبُ ← امر ← **إِذْهَبْ**

تَذْهَبَانِ ← امر ← **إِذْهَبَا**

لذا می گفتیم فعل امر دارای ۶ صیغه ی مخاطب است.

اما اینک می آموزیم که فعل امر هم دارای ۱۴ صیغه است یعنی می توانیم از صیغه های غایب و متکلم مضارع هم امر غایب و امر متکلم بسازیم بدین صورت که:

حرف "ل" در صیغه های غایب و متکلم مضارع در اول فعل می آوریم و آخر آن ها را ساکن و نون را حذف می کنیم. به جز صیغه های جمع مونث هن، انتن. **مثال:**

يَذْهَبُ ← امر ← لِيَذْهَبْ
يَذْهَبْنَ ← امر ← لِيَذْهَبْنَ
أَذْهَبُ ← امر ← لِأَذْهَبْ
هِنَّ يَذْهَبْنَ ← امر ← لِيَذْهَبْنَ

نتیجه: "لام" هرگاه قبل از فعل مضارع بیاید و آن را مجزوم (جزم=ساکن) کند فعل مضارع به فعل امر تبدیل می شود و چون "لام" فقط در صیغه های غایب و متکلم می آید به آن فعل امر غایب و فعل امر متکلم می گوییم.

نکته ۳: در ترجمه ی امر غایب و متکلم از کلمه ی "باید" استفاده می کنیم.

مثال:

يَذْهَبُ ← امر غایب : باید برود
أَذْهَبُ ← امر متکلم : باید بروم

الف) جارّه: (جردهنده) بعد از آن اسم می آید و آن اسم مجرور (□) می شود.

مانند: لِلطَّالِبِ ، لِّلسَّفَرِ
↓ ↓ ↓ ↓
جار مجرور جار مجرور

ب) ناصبه: (نصب دهنده) بعد از آن فعل مضارع می آید و حرکت مضارع منصوب (□) می شود.

مانند: لِيَذْهَبْ

ج) جازمه: (جزم دهنده) بعد از آن فعل مضارع می آید و حرکت آن را مجزوم (ساکن) می کند.

مانند: لِيَذْهَبْ

انواع "لام"